

متن پرسش

سلام استاد: به شدت از رحمت خدا نا امیدم، دلیلشم اینه که هر چی دعا کردم نتیجه عکس گرفتم، از خدا غیر از خدا نخواستم که بزارم پای حکمت و مصلحت خدا، فقط خودشو خواستم و ای کاش اصلا نتیجه نمی گرفتم ولی نتیجه دقیقا عکس گرفتم، حرف زیاده ولی مخلص کلام اینکه تا میام دعا کنم در ناخودآگاهم هیچ امیدی برای اجابت ندارم و میگم چه فایده دعا کردن، زبونی میگم ولی دل حتی درصدی به اجابت امید نداره، حالا شما بگو نا امیدی بزرگترین گناه و بالاترین جنایت، بگو مساوی با اعلان جنگ مستقیم با خدا، بگو حتی از خود شیطان یک قدم جلوتر، ولی خودش میدونه که دل حتی به اندازه ی ارزنی امید اجابت نداره، از خدا رنجش پیدا کردم، همه ی اونچه که می خواستیم نشد که هیچ، برعکس شد، سرتونو درد نیارم ولی چه کنم با این دل که با خدا قهره؟ شاید بفرماید مباحث رو ادامه بده، ولی روزنه ی امیدی باید باشه برای ادامه، والله هیچ نیست که نیست.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در این موارد رندی را باید دنبال کرد و با رفقا بودن و صفا را در بین هم به میان آوردن، راههای بسته را می گشاید. خدا را در خنده ی رفقا بنگر و با او قهر نکن در حالی که می بینی او با تو در خنده ی رفقا و صفایی که بین شما هست، قهر نکرده است. موفق باشید